



عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرا:

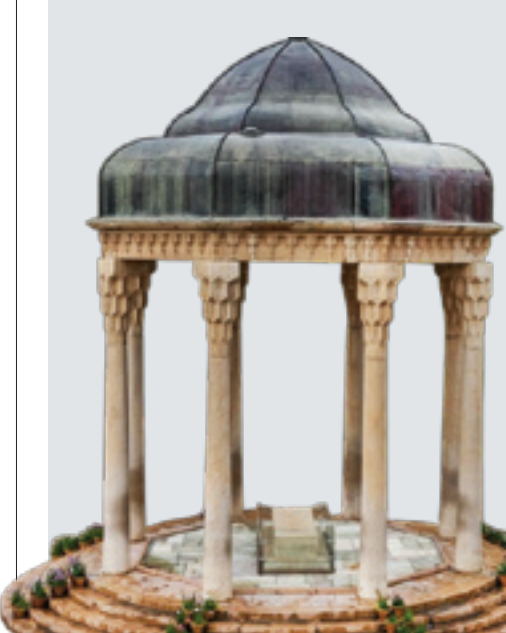
حافظ برای تمام دوره‌ها الگوی شعر فارسی است

عبدالجبار کاکایی گفت: بیشتر باید از جهت محتوایی تأثیر شعر حافظ را بر شعر معاصر ارزیابی کنیم و آن نگاه عارفانه‌ای است که حافظ داشته است. در شعر نوی امروز این نگاه عارفانه کمتر است ولی در شعر کلاسیک این تأثیر را بیشتر می‌توان دید. عبدالجبار کاکایی از شاعران و ترانه‌سرایان کشورمان در گفت‌وگو با ایبنا درباره تأثیر گذاری شعر حافظ بر شعر معاصر ایران گفت: اگر مقصود از معاصر بودن، متناسب با جریان پس از تجدد بودن است، طبیعتاً شبیه حافظ شعر گفتن از حیث زبان چندان معقول نیست. هر شاعری باید متناسب با روزگار و زمانه خودش و نظام زیبایی‌شناسی مستقر در آن دوره شعر بگوید، اما تقلیدی از حافظ کردن و سبک و سیاق سخن حافظ را پیش رو گذاشتن هم شیوه بعضی از شاعران هم‌عصر ماست که به هر حال زیر چتر حافظ زندگی می‌کنند. درعین حال تأثیر حافظ بر شعر امروز ما باید از جهت محتوایی بررسی شود. کاکایی در ادامه بیان کرد: محتوای شعر حافظ محتوای عام عرفانی است و حافظ از آثار پیش از خودش بهره برده است. شعر معاصر ما متأسفانه فاقد نگاهی عارفانه است و آنچه در شعر معاصر می‌کند بیشتر انسان‌محوری است و اشعاری هم که تمایلات در واقع دینی دارند از گرایش‌های عرفانی که حافظ داشته است، دورند. هر شاعری که به سمت استحکام در زبان حرکت کند و در اجرای نحو درست و واژه‌گزینی وقت به خرج دهد متأثر از حافظ است و این شاعر بزرگ برای تمام دوره‌ها الگوی شعر فارسی بوده و خواهد بود. این شاعر و ترانه‌سرا درباره قابلیت شعر حافظ در ادبیات امروز ایران گفت: مهم‌ترین عنصر آن اجرای نحو و زبان حافظ است که به شکل ساده‌ای آده می‌شود. ما در نگاه به اجرای نحو و زبان دو دسته شاعر در طول تاریخ داشته‌ایم: یک دسته که غالباً سعی می‌کردند با پیچیده کردن شعر و با توسل به صناعات متفاوت ادبی فقط به هنرنمایی کلامی توجه کنند اما تعدادی شاعر هم واژه‌گزینی‌شان را از استخراج امروز به ان توجه کنند.

وی در پاسخ به سؤالی که به کدام شعر حافظ بیشتر علاقه دارد، پاسخ داد: شعر حافظ با مطلع «در دیر معان آمد یارم دجی در دست / مست از می و می‌خوران از ترگس مستش مست»

را به خاطر زیبایی‌های کلامی‌اش گاهی اوقات با خودم زمزمه می‌کنم اگرچه بیشتر اشعارش را دوست دارم و از خواندن‌شان لذت می‌برم.

کاکایی درباره اینکه جای چه پژوهش‌ها و کتاب‌هایی را درباره حافظ خالی می‌داند، بیان کرد: راجع به حافظ بسیار پژوهش و تحقیق انجام شده و حتی به تعبیر یکی از بزرگان «مصلحت دیدن من آن نیست که یاران همه کار / بگذارند و خم طره یاری گیرند». راجع به حافظ فراوان کار شده؛ هم در زمینه شرح غزلیاتش و تفسیر و تائیل آنها و هم تحقیق گسترده در باب نسخه‌های خطی به جای مانده، ولی نیکوست یک پژوهش عمیق درباره یک مسئله مشترک میان اشعار حافظ و سعدی، این دو شاعر بزرگ خطه فارس انجام شود. این دو شاعر در ملقاتی بیوستن زبان درسی با زبان و با کلمات و واژه‌های عربی به نوعی از زبان رسیدند که ضمن توانایی در انتقال آموزه‌های عرفانی، روان و روشن بود و بدون اینکه تظاهر به بازی با صناعات و فنون رایج در ادبیات باشند توانستند به بهترین نحو با خوانندگان ارتباط برقرار کنند. تأمل بر سر این مسئله که چگونه این زبان‌ها در شعر حافظ و سعدی، به ویژه زبان شعر سعدی که به اندازه حافظ نیز از صناعات ادبی استفاده‌نکرده، دارای چنین ظرفیت و قدرتی است که مفاهیم را منتقل کند، شبیه‌ای که از موضوع زیبایی‌شناسی هم فاصله نگیرد، موضوع جالبی برای پژوهش خواهد بود که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد.



گفت‌وگو یک احمد جوان

شامحمدی محصول سازمان هنری – رسانه‌ای اوج است که بخشی از حماسه آفرینی شهیدان مهدی و مجید زین‌الدین در جزیره مجنون و عملیات بزرگ خیبر را به تصویر می‌کشد. سجاد بابایی، بهزاد خلیج، شبنم قربانی، محمد رشتو، سیدمهدی حسینی، افشین حسلو، محمدرسول صفری و حسام منظور در این فیلم ایفای نقش کرده‌اند.

■ ■ ■

علیرضا محصولی، نویسنده فیلم «مجنون» درباره همکاری خود با این اثر سینمایی به «جوان» گفت: ابتدا با ارائه یک فیلمنامه سینمایی در ژانر درام پلیسی که بعدها به صورت سریال بسط داده شد، به خانواده اوج اضافه شدم.

برای پروژه شهید زین‌الدین چند نفر پیش از من طرح‌هایی ارائه داده بودند، اما دوستان سازمان اوج با توجه به فیلمنامه‌هایی که از من خوانده بودند تصمیم گرفتند نگارش متن نهایی را به من بسپارند. من که از روی ۱۰ ساله کار در موضوع دفاع مقدس را داشتم بلافاصله قبول کردم و بعد از خواندن طرح‌ها پیشنهاد دادم طرح خودم را برای این شهید بنویسم که به موافقت دست‌اندرکاران مشغول کار شدم.

وی با اشاره به حجم پژوهش‌های انجام‌شده برای نوشتن فیلمنامه «مجنون» گفت: پژوهش بخش اصلی کار بود. علاوه بر مطالعه منابع مکتوب و تاریخ شفاهی، از آرشئو مستندها و شنیدن مصاحبه هم‌زمان شهید را مرور می‌کردم و حتی



صوت بی‌سیم‌های عملیات‌های مختلف را گوش می‌دادم، به طوری که صدای فرماندهان برایم آشنا شده بود و تشخیص می‌دادم این صدای کدام شخص است.

او درباره روند آماده شدن فیلمنامه توضیح داد: حدود سه ماه پروسه پژوهش و نوشتن نسخه اولیه فیلمنامه زمان برد، اما بازنویسی‌ها تا بیش از پنج ماه پس از آن ادامه داشت. واقعیت این است که هیچ وقت زمان کافی به معنای مطلق وجود ندارد اما با توجه به محدودیت‌های تولید، به نتیجه‌ای رسیدیم که برای من رضایت‌بخش بود.

محصولی چالش اصلی نوشتن فیلمنامه را حفظ وفاداری به واقعیت و در عین حال جذابیت دراماتیک برای مخاطب امروز دانست و افزود: سخت‌ترین بخش این بود که به کدام شماره‌زدگی نینتیم و در عین حال روح حماسی کار را حفظ کنیم.

نویسنده «مجنون» درباره شیوه همکاری با مهدی شامحمدی هم گفت: ارتباط من با کارگردان خیلی نزدیک بود و از همان روزهای نخست جلسات مشترک مداوم داشتیم. کارگردان نگاه خلاق خود را در اختیار من گذاشت و به همین دلیل هماهنگی طبیعی بین متن و تصویر شکل گرفت.

محصولی در خصوص نحوه انتخاب

طراح صحنه فیلم «مجنون» در گفت‌وگو با «جوان»:

جاهایی احساس می‌کردیم حضور شهید زین‌الدین کار را جلو می‌برد

بهرزاد جعفری طادی، طراح صحنه فیلم «مجنون» توضیح داد: قصه در خاک عراق و جزایر مجنون می‌گذشت و شکل آن به کلی عوض شده است. ما چیزی نداشتیم که ببینیم مجنون چه شکلی است در نتیجه به مستندات روی آوردیم و کلی فیلم و عکس دیدیم و تحقیق و تلاش کردیم تا به فضای واقعی نزدیک شویم.

وی تأکید کرد: بخشی از سختی کارهای دفاع مقدسی تجهیزات، امکانات و پروداکشنی است که دیگر در دسترس نیست و اگر هست هم بسیار کم و فرسوده است. همین امروز کار دیگرم را با دشواری انجام می‌دهم و نسبت به «مجنون» که دو سال پیش تولید شد از لحاظ تجهیزات ضعیف‌تر شده‌ایم و کسی نیست که بگوید تیرگان نیاسید. شاید سلاح را بشود تأمین کرد اما ماشین و تانک و سایر ادوات حدود ۶۰۰ تقریباً رو به نابودی است و چیزی برای ساختن باقی نمانده است.

جعفری طادی در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین چالش تکنیکی او در تولید فیلم سینمایی «مجنون» چه بوده است، گفت: ساخت کانال که باید برای آن محاسبات و ریسک می‌کردیم، سخت‌ترین بخش بود که ما خطر کردیم و آن را به

انجام رساندیم.

جعفری طادی ادامه داد: جاهایی احساس می‌کردیم که حضور شهید کار را جلو می‌برد، چون در بخش‌هایی کار به شدت سخت بود، شب‌کاری، سرما و باران بود و اگر کمک خود شهید نبود امکان نداشت که بشود کار را انجام داد و از این احساسی‌تر نمی‌توانم در مورد این شهید صحبت کنم.

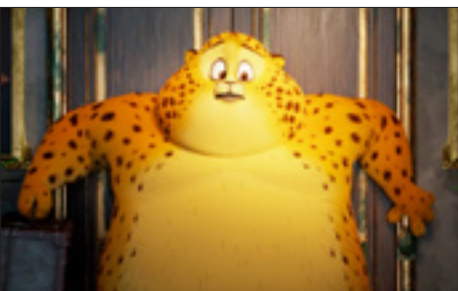
وی با تأکید بر لزوم ساخت آثار دفاع مقدسی بیان کرد: شهید زین‌الدین یک قهرمان است و قهرمان داشتن برای هر سرزمینی لازم است، کشورهای دیگر با تحیل قهرمان می‌سازند اما قهرمان‌های ما واقعی بوده‌اند. به قهرمان‌های هالیوود نگاه کنید: سوپرمن و بت من و مرد عنکبوتی همه خیالی هستند و ما قهرمان‌های واقعی داریم که باید بشناسیم و به نسل‌های بعدی معرفی کنیم که چه اندازه کارهای بزرگی انجام داده‌اند. قهرمان ساختن کار درستی است و چنان‌که، چنانچه همه دنیا این کار را انجام می‌دهد.



محصولی: موفقیت جشنواره‌ای برای ما شیرین بود چون زحمات گروه دیده شد، اما در بخش کارگردانی در حق مهدی شامحمدی اجحاف شد. مهم‌تر از تعداد جوایز تأثیری بود که فیلم روی مخاطب گذاشت که بزرگ‌ترین دستاورد ما بود

نمای نزدیک

بازیگران و مشارکت او به عنوان نویسنده در این پروژه بیان کرد: بخش اصلی انتخاب بازیگر برعهده کارگردان بود، اما در برخی نقش‌ها نظر من هم پرسیده شد و بر اساس توصیف‌های



نگاهی به جدیدترین انیمیشنی که در سینماهای کشور اکران شده است

«بوز» انیمیشنی جذاب و هدفمند

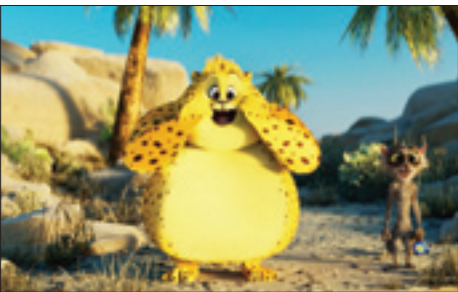
محمد جلیوند، منتقد سینما

دنای انیمیشن با حجم فوق‌العاده‌ای از تخیل، بستر مناسبی برای روایت قصه‌هایی است که می‌تواند علاوه بر کودکان و نوجوانان برای گروه‌های دیگر سنی هم جذاب باشد، حتی انیمیشن‌هایی هم سراغ داریم که اساساً مناسب طیف کودک و نوجوان نیستند و مخاطب بزرگسال را هدف قرار می‌دهند. بازار وسیعی که این ژانر در اختیار دارد، کمپانی‌ها را به سمت خود می‌کشاند و به تولید آثار با هزینه‌های هنگفت وادار می‌کند.

در سینمای ایران، سینمای انیمیشن نوپا و نحیف بوده و تنها در سال‌های اخیر به آن توجه نشان داده شده است. دلیل دیگر آن نیز حضور نیروهای جوان و تازه‌نفس مسلط بر تکنیک‌های امروزی انیمیشن و نیز نگاه ویژه مؤسسه‌های دانش‌بنیان است که تولید انیمیشن بلند سینمایی را سهیل‌الوصول‌تر از گذشته کرده است. انیمیشن سینمایی «بوز»، محصول مشترک مرکز انیمیشن سوره و ویستامدیا به کارگردانی رضا ارزنگی و تهیه‌کنندگی احسان کاوه که این روزها روی پرده سینماهای کشور است، جدیدترین نمونه در این رابطه به حساب می‌آید؛ قصه یوزپلنگ چاق و تنبلی که سال‌ها پیش از زادگاه خود در ایران و از سوزی دانشمندی به نام والتر زو، به نیویورک آورده شده و پس از مرگ والتر در قصری که از او به جا مانده زندگی مرفهی دارد.

یک افتتاحیه جذاب برای انیمیشن‌های سینمایی، ضروری است که ارزنگی در فیلم خود آن را کاملاً رعایت کرده است؛ آشنایی با یوز در همان چند دقیقه نخست به درستی صورت گرفته و چند شخصیت مکمل کار هم معرفی می‌شوند که یکی از آنها به عنوان ورده‌ست قهرمان تا آخر باقی می‌ماند. تماشای بازی فوتبال بین ایران و امریکا که البته زمان آن به سال ۱۹۹۸ بازمی‌گردد، حادثه محرک پرده نخست فیلمانه که خود ارزنگی آن را نوشته خلق می‌شود، تلنگری به یوز که تصویر خود را روی پیراهن بازیکن تیم ملی ایران دیده و کنجکاو یافتن هویت خود می‌شود.

عنصر کلیدی فیلمنامه که به عنوان زیر متن در تاروپود فیلمنامه یوز تنیده شده است، پیام اصلی سازندگان آن برای مخاطبان کودک و نوجوان کار به حساب می‌آید.



تصمیم یوز برای سفر به ایران، نقطه عطف نخست کار به حساب می‌آید که قصه را وارد فاز جدیدی می‌کند، البته از آن‌شدن پسر شکارچی از زندان هم در این تصمیم بی‌اثر نبوده و هیجان خوبی به قصه می‌بخشد. ارزنگی از الگوی سفر قهرمان به خوبی بهره گرفته و یک نیمه میانی گرم و تماشایی را خلق می‌کند. در عین حال، شوخی‌های زیادی هم در طول سفر ۱۲ هزار کیلومتری یوز و دوست گربه‌اش تارک دیده است که شیرین از آب درآمده‌اند، به ویژه شوخی‌هایی که ساعت هوشمند و گویای یوز در متن آن قرار دارد.

رسیدن یوز و دوستش به زادگاهش در کویر، تکان خوبی به قصه داده است و قهرمان خود را در موقعیت جدید و سختی قرار می‌دهد. انیمیشن‌های سینمایی مانند سایر ژانرها، نیاز به ضد قهرمان دارند تا موانع مختلفی را به وجود آورند. در اینجا، پسر والتر زو این نقش را برعهده گرفته است و صحنه‌های پرهیجانی را برای مخاطبان کم‌سن و سال خود تدارک می‌بیند که مهم‌ترین آن مواجهه یوز و دختردای‌اش دلبر با قطب شر فیلم که شکارچی بی‌رحمی است، محسوب می‌شود. پایان‌بندی یوز هم به سیاق انیمیشن‌های سینمایی با یک پایان خوش همراه است که به ازدواج یوز و دلبر و بچه‌دار شدن‌شان منتهی می‌شود. سکلس پاپانی که با سفر این خانواده به شهرهای مختلف ایران همراه است، در راستای همان هویت ملی و وطن‌پرستی است که در زیرمتن فیلمنامه «بوز» قرار گرفته است.

به لحاظ فنی هم «بوز» چند پله‌ای بالاتر از انیمیشن‌های سال‌های اخیر ایستاده و بخش مهمی از آن به طراحی شخصیت‌ها بازمی‌گردد. به ویژه قهرمان آن که شیرین و دوست‌داشتنی بوده و حتی می‌تواند قصه‌های دنباله‌داری خلق کند. از طرف دیگر، شخصیت‌ها سروشکل واقعی‌تری داشته و انیماتورها کار خود را به خوبی انجام داده‌اند. موسیقی یکی از ارکان انیمیشن‌های بلند سینمایی است که یکی از نقاط قوت «بوز» به حساب آمده و چند آواز ساخته شده که شکل ویدئوکلیپ دارند نیز خوب از آب درآمده‌اند. دوبله، یکی از چالش‌های اساسی سازندگان انیمیش‌های ایرانی به حساب می‌آید که بخش مهمی از موفقیت کار را تضمین می‌کند. ارزنگی در «بوز»، از افراق در تیب‌گویی بهره‌یز کرده و شوخی با لپچه را تقریباً از فیلم خود حذف کرده است، اما در عین حال از گویندگانی بهره گرفته است که در تیب‌گویی در انیمیشن تبحر داشته و دوبله را به دیگر نقطه قوت «بوز» تبدیل کرده‌اند. «بوز» در بین فیلم‌های روی اکران، گزینش‌ای قابل قبول برای تماشای پرده نقره‌ای برای کودکان و نوجوانان به حساب می‌آید که پیام ارزشمندی هم در لایه‌های زیرین خود دارد.

